

## روند مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی ایران (بخش اول): از تشکیلات اولیه تا سال ۱۳۵۷

مرتضی ابراهیمی رستاقی

کارشناس جنگل و مرتع، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، تهران، ایران. پست الکترونیک: m\_ebrahimi\_r@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰

### چکیده

در این نوشتار، جنگل‌های خارج از نیم‌رخ شمالی البرز، جنگل‌های فراهیرکانی نامیده می‌شوند و روند مدیریت آن‌ها از بدو نخستین تشکیلات جنگل‌بانی تا سال ۱۳۵۷ بررسی خواهد شد. منابع اطلاعاتی مورد استفاده شامل گزارش‌ها، طرح‌های جنگل‌داری تهیه و اجرا شده، مطالعه‌های شناسایی و نیمه‌تفصیلی و نیز مشاهده‌های میدانی و تجربه حضور بیش از ۳۰ سال در جنگل‌های فراهیرکانی هستند. در بخش نخست که موضوع نوشتار پیش‌رو است، گزارش روند مدیریتی در چند بازه زمانی معنی‌دار بدین شرح بررسی شد: (۱) از تشکیلات اولیه تا تشکیل بنگاه جنگل‌ها در سال ۱۳۲۸ (عدم توجه یا کم‌توجهی)، (۲) از تشکیل بنگاه جنگل‌ها تا آغاز دهه ۱۳۴۰ شمسی (آغاز توجه و ایجاد نخستین تشکیلات)، (۳) از ۱۳۴۰ شمسی لغایت ۱۳۵۱ شمسی (شروع مدیریت علمی با تهیه طرح‌های جنگل‌داری)، (۴) از ۱۳۴۰ شمسی لغایت ۱۳۵۷ شمسی (جنگل‌کاری، احیا و توسعه فضای سبز) و (۵) از ۱۳۵۲ شمسی لغایت ۱۳۵۷ (طرح‌های جنگل‌داری قرق و احیا). در جمع‌بندی فعالیت‌های چندساله در جنگل‌های فراهیرکانی، می‌توان گفت که مجموعه اقدام‌ها به‌ویژه از دهه ۱۳۴۰ که حضور دولتی و تشکیلاتی نسبت به گذشته بیشتر شد، سیاست مشخص با هدف و دورنمای روشنی نداشت و اقدام‌ها در زمره آزمون و خطاهای تکراری بودند. در همین بازه زمانی که جنگل‌های فراهیرکانی با سیاست واحد و مشخص و حتی شرح خدمات و شیوه‌نامه واحد (با اندکی تغییرات موردی) مدیریت می‌شدند، در جنگل‌های فراهیرکانی بدون تعریف و برقراری سیاست مشخص برای اداره جنگل‌ها، همچنان که در سال‌های پس از ۱۳۵۷ هم ادامه داشت، طرح‌ها و برنامه‌هایی با عمر کوتاه، به‌شکل آزمون و خطا اجرا شدند. البته باید اذعان کرد که این سابقه مدیریتی در جنگل‌های خشک و نیمه‌خشک، که همانند جنگل‌های مرطوب فراهیرکانی پشته‌های از اطلاعات قوی (سابقه چندصد ساله مدیریت جنگل‌های مرطوب معتدله اروپا) نداشتند، گریزناپذیر بود.

واژه‌های کلیدی: جنگل‌های ایرانی - تورانی، جنگل‌های خلیج و عمانی، جنگل‌های زاگرس، طرح جنگل‌داری.

### مقدمه

درخت و جنگل برای توسعه کشاورزی و درنهایت صنعت، باید پذیرفت که جنگل‌ها و به‌طور کلی منابع طبیعی تجدیدشونده همواره تحت نوعی مدیریت قرار داشته‌اند. ردپای توجه به جنگل و اهمیت آن به ایران باستان بازمی‌گردد و

اینکه مدیریت جنگل‌های کشور ریشه در تعامل انسان با جنگل دارد و از بدو استفاده از جنگل چه به‌عنوان پناهگاه و چه به‌عنوان منبع تأمین غذا و سایر مایحتاج اولیه تا قطع

دوره سلطنت قاجار). در حدود سال ۱۲۰۲ هجری شمسی، ابتدا وزارت دول خارجه تأسیس و پس از چندی سه وزارتخانه داخله، مالیه و فواید عامه به وجود آمد. در سال ۱۲۴۴ (ش)، تعداد وزارتخانه‌ها به ۷ و در ۱۲۵۰ شمسی به تعداد ۹ وزارتخانه ارتقا یافت که عبارت بودند از داخله، خارجه، مالیه، عدلیه، جنگ، علوم، فواید عامه، تجارت، زراعت و وزارت دربار. در سال ۱۲۳۰ هجری شمسی، در وزارت علوم و تلگراف و معادن، مدرسه دارالفنون (با معلم‌های ایرانی و اروپایی و ۲۶۲ نفر محصل) تأسیس شد که آنرا می‌توان اولین نهاد آموزشی به صورت جدید و یا مدرن محسوب کرد که بخشی از مطالب آموزشی گیاهان و جانوران و جغرافیا را در دوره دبیرستان دربر می‌گرفت. می‌توان گفت که تأسیس دارالفنون سرآغاز آموزش جدید کشور در زمینه کشاورزی و منابع طبیعی بود. در کابینه‌ای که نام مهندس‌الممالک به عنوان وزیر فواید عامه به چشم می‌خورد. یکی از اداره‌های وزارت فواید عامه نیز اداره شوسه و راه آهن و جنگل‌ها بود. روز ۲۱ اردیبهشت ۱۲۸۸ هجری شمسی پس از به توپ بستن مجلس، مهندس‌الممالک دوباره به سمت وزیر طرق و شورای معادن و جنگل‌ها معرفی شد که این امر نشانه توجه دولت به جنگل‌ها بود.

در نخستین کابینه دوره رضاشاه در سال ۱۳۰۵ هجری شمسی، در واقع وزارت کشاورزی در این زمان جزو وزارت فواید عامه محسوب می‌شد. در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی، وزارت جدیدی به نام اقتصاد افتتاح شد که سه اداره فلاح، صنعت و تجارت را دربر می‌گرفت. در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی، اداره کل صنعت و فلاح مستقل از تجارت شد. در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی اداره فلاح از اداره صنعت جدا و اداره اخیر به وزارت تبدیل شد و اداره فلاح مستقل باقی ماند. در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی اداره فلاح به اداره کشاورزی تغییر نام داد. در سال ۱۳۲۰ هجری شمسی اداره کشاورزی به وزارت کشاورزی تبدیل شد. به طور کلی، تا زمان

شواهد موجود، ایران باستان را بنیان‌گذار پارک در دنیا می‌شناسند که ذخیره و حفاظت قطعاتی از جنگل به عنوان شکارگاه (Hunting Reserve) و یا اختصاص نخستین قطعه جنگل حفاظت شده منتسب به خشایار شاه (Eltinghousen (Richard et al, 1976) مصادیقی از این دست ادعاها هستند (Sharifi, 2011). همچنین، مدیریت منابع طبیعی توسط خان‌ها و ایلخان‌ها پیش از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع در عهد حاضر نیز بیانگر استمرار مدیریت بر این منابع است. اما اینکه این مدیریت‌ها تشکیلاتی بودند و یا توسط دولت‌ها و حکومت‌ها یا خودجوش توسط مردم اعمال می‌شدند، نیازمند بحثی جداگانه و در گروی بررسی و مطالعه وسیع‌تر و عمیق‌تر است. بنابراین، در نوشتار پیش‌رو، فارغ از پیشینه چگونگی مدیریت منابع طبیعی به‌ویژه منابع جنگلی، بر روند مدیریت دولتی بخشی از جنگل‌های ایران که در خارج از نیمرخ شمالی البرز واقع شده‌اند، برپایه اسناد و تجارب موجود پرداخته می‌شود.

در این نوشتار، جنگل‌های مرطوب معتدله نیمرخ شمالی البرز با عنوان جنگل‌های هیرکانی و جنگل‌های سایر مناطق کشور که در زمره جنگل‌های غیرمرطوب کشور (از نیمه مرطوب معتدل تا خشک نیمه‌گرمسیری) معرفی شده‌اند (Javanshir, 1976) با نامی وام گرفته از چهره ماندگار منابع طبیعی، زنده‌یاد دکتر محمدحسین جزیره‌ای، تحت عنوان جنگل‌های فراهیرکانی نامیده می‌شود. در این مرور اجمالی تأکید بر عملکرد بخش اجرا (سازمان متولی مربوطه) در دوره‌های مختلف است، اما حسب مورد به عملکرد دو بخش آموزش و تحقیقات نیز اشاره خواهد شد.

### دوره‌های مورد ارزیابی

زنده‌یاد دکتر کریم جوانشیر در اثر مشهور تاریخ علوم منابع طبیعی ایران (Javanshir, 1999)، تاریخ تشکیل اداره‌ها، سازمان‌ها و تشکیلات مربوط به مدیریت منابع طبیعی را از اواخر حکومت قاجار معرفی می‌کند (به نقل از کتاب ایران در

در اواخر سال ۱۳۰۷ هجری شمسی به دستور رضاشاه وزارت فلاحت یک نفر کارمند مطلع را برای اداره امور جنگل و حراست جنگل ها به کجور اعزام کرد که تعلیم دیگر مأموران را نیز بر عهده داشت. فاندم هاگن کارشناس آلمانی در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی به مدت سه سال استخدام شد. پس از اتمام، سه سال تمدید شد که تا اواسط سال ۱۳۰۷ به کار خود ادامه داد. در سال ۱۳۰۹ وزارت تجارت و فلاحت و فواید عامه به دو وزارتخانه تقسیم شد: وزارت اقتصاد ملی با اداره‌های فلاحت و تجارت و معادن و وزارت راه. لویی نیکه مستشار فرانسوی جنگل نیز در همین سال به استخدام اداره فلاحت درآمد. در اواخر همین سال یک دوره آموزشی برای ۴۰ داوطلب به مدت ۶ ماه توسط شریکر و فاندم هاگن برگزار شد.

در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی که پیامد نظام جدید جنگل بانی، منافع سوداگران و مدعیان جنگل‌ها که از افراد متنفذ و به نام بوده، به خطر افتاده بود، همین افراد با استفاده از نفوذ خود، جریانی بر علیه این سازمان نوپا به وجود آوردند و آنرا منحل کردند.

در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی، اداره کشاورزی گیلان و آستارا از محل بودجه دفع آفات نباتی سازمان کوچکی برای استخدام مأمور جهت نظارت بر قطع اشجار ترتیب داد که طی آن ۲۴ نفر به نام پاسبان جنگل استخدام شدند.

در سال ۱۳۱۶ با بازگشت کریم ساعی به ایران واحدی به نام دایره جنگل با یک کارمند و یک میز و دو صندلی در اداره کل فلاحت پی‌ریزی شد.

در سال ۱۳۱۷ دایره جنگل رسماً در اداره کل فلاحت مرکز تشکیل شد که ریاست آن با مهندس کریم ساعی بود.

در سال ۱۳۱۹ در اثر تلاش و پشتکار مهندس کریم ساعی اداره جنگلبانی به ریاست ساعی به وجود آمد.

در نیمه دوم ۱۳۲۰ اداره کل کشاورزی به وزارت کشاورزی و در سال ۱۳۲۱ اداره جنگل‌بانی به اداره کل جنگل

حکومت قاجار منابع طبیعی تجدیدشونده کشور به‌هیچ‌وجه مورد توجه دولت نبود و هیچگونه مدیریتی از نظر بهره‌برداری علمی و فنی انجام نمی‌شد و تشکیلاتی برای امور مربوط به جنگل مرتع، شیلات و محیط‌زیست وجود نداشت. شکل‌گیری رسمی واحدهای مدیریت منابع طبیعی عملاً از سال‌ها بعد آغاز شد.

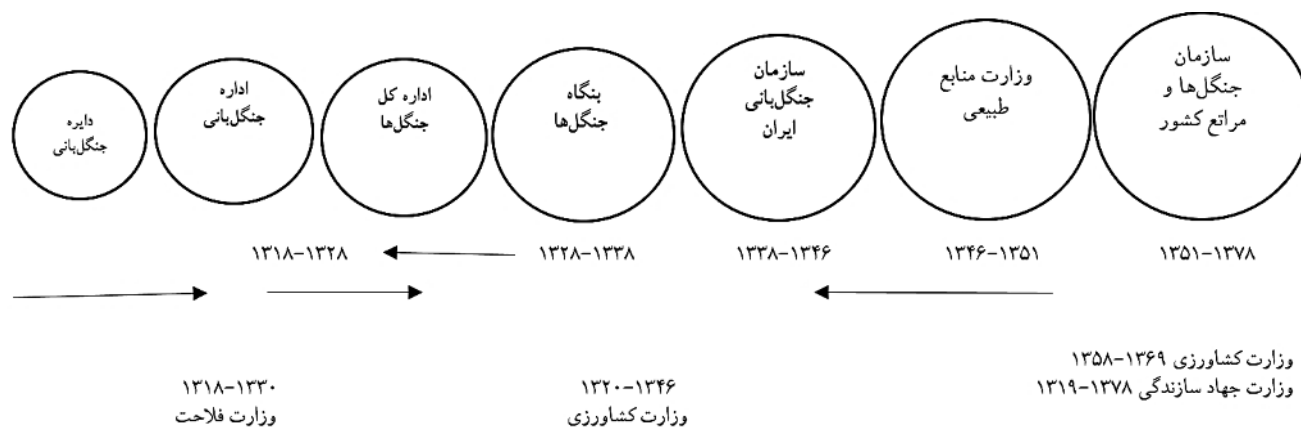
علت انتخاب مبدأ تأسیس سازمان منابع طبیعی به سال ۱۲۸۵ برمی‌گردد. زمانی که مهندس‌الممالک به وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه منصوب می‌شود و اداره شوسه، راه‌آهن و جنگل‌ها یکی از اداره‌های این وزارتخانه بود. در ۱۲۸۸ دوباره ایشان به وزارت می‌رسد و توجه خاصی به تشکیلات داشت تا اینکه پس از ایشان، آقای میرزا حسین‌خان علا در ۱۲۹۶ وزیر وزارت فلاحت، تجارت و فواید عامه می‌شود. در این زمان بود که تشکیل شعبه‌ای برای جنگل‌ها، تجارت و کشاورزی در این وزارتخانه می‌دهند. در برنامه‌ریزی این شعبه بود که اولین اداره جنگل در شمال تأسیس شود و هانس شریکر از مدرسه برزگران به شعبه جنگل‌ها منتقل و با جناب احمدی برای نقشه‌برداری جنگل‌ها به شیرگاه فرستاده می‌شوند. هانس شریکر نقش مهمی در ایجاد دو پارک مهم در ملایر و تهران و سپس مدرسه برزگران در کرج در ۱۲۹۶ هجری شمسی داشت. همچنین، باید به‌عنوان فردی که در اولین اداره جنگل در شیرگاه نقش مهمی را داشت، از او یاد کرد.

تأسیس اولین اداره جنگل‌بانی در ایران به سال ۱۲۹۹ هجری شمسی باز می‌گردد که در وزارت فلاحت و تجارت اداره‌ای هرچند ابتدایی در جنگل‌های شمال کشور برای نقشه برداری از جنگل‌ها، تفکیک جنگل‌های خصوصی از دولتی و تعیین جنگل‌های بکر و صنعتی از جنگل‌های مخروطه و بوته زار به‌وجود آمد. در اسفندماه ۱۳۰۲ نظام‌نامه جنگل‌های ایران تنظیم و سپس مجوز صدور بیش از ۲۰۰/۰۰۰ پوت چوب شمشاد به خارج از کشور صادر شد.

ها تبدیل شد.

در سال ۱۳۲۷ به موجب مصوبه مورخ ۱۳۲۷/۱۲/۲۴ هیئت دولت به شماره ۲۰۵۲۳، بنگاه جنگل‌ها به وجود آمد. در سال ۱۳۲۹ سالنامه‌ای به نام سالنامه بنگاه جنگل‌ها با فروش قبوض پیش از انتشار از طرف کمیسیون انتشارات بنگاه جنگل‌ها برای شناساندن کارشناسان و کارمندی که عهده‌دار جنگل‌های کشور بودند، منتشر شد که در آن اقدامات بنگاه جنگل‌ها تا پایان سال ۱۳۲۸ شرح داده شده است. زنده‌یاد دکتر محمدحسین جزیره‌ای در سخنرانی با عنوان تحلیل و ارزیابی ساختار تشکیلاتی جنگل‌بانی ایران در همایش ملی مدیریت جنگل‌های شمال و توسعه پایدار

(رامسر، ۱۳۴۳) در مسیر تحول تشکیلات چنین می‌گوید: «برای بررسی کرونولوژیک موضوع، ۱۳۱۸ خورشیدی را سال پایه قرار می‌دهیم که دستگاه جنگل‌بانی در قالب دایره جنگل‌بانی در اداره کل فلاح آن زمان یا به عرصه وجود گذاشت. سپس، در برهه‌های زمانی بعد به ترتیب با نام اداره جنگل‌بانی، اداره کل جنگل‌ها، بنگاه جنگل‌ها، سازمان جنگل بانی ایران، وزارت منابع طبیعی، سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور نامیده شد». ایشان نمودار این ساختار را تا سال ۱۳۷۹ به شرح زیر ارائه کردند (Jazirei, 2001):



طبقه‌بندی شده بود، بوده است. اگرچه در این بازه زمانی اقدامات متنوع و مؤثری در خصوص جنگل‌های شمال و به ویژه از بعد تشکیلاتی انجام شد، اما طرح، برنامه و یا اقدامی نظام‌مند و سیستماتیک قابل ملاحظه‌ای در خصوص جنگل‌های فراهیرکانی به چشم نمی‌خورد، مگر اینکه به صورت موردی، تک‌نگاری‌هایی اندک اما ارزشمند که مبین گوشه‌ای از وضعیت موجود منابع جنگلی بود نگاشته می‌شد. به عبارت دیگر، جنگل‌های فراهیرکانی از زمان تشکیل بنگاه جنگل‌ها و در ادامه به عنوان بخشی از جنگل‌های کشور در برنامه‌ها و اقدامات دولتی برای اداره این منابع به چشم آمده است.

تغییر در ساختار تشکیلاتی محدود به سال ۱۳۷۹ نشد و همچنان آزمون و خطا برای دستیابی به ساختار تشکیلاتی مطلوب مورد نظر ادامه دارد. نظیر بازگشت امور مدیریتی جنگل‌های موسوم به خارج از شمال از قیمومیت مدیریت معاونت مرتع و آبخیز به معاونت امور جنگل.

با نگاهی اجمالی به شرح مختصر تغییر و تحولات ساختار تشکیلاتی بیان شده، به وضوح مشخص می‌شود که از بدو اقدام به اعمال مدیریت دولتی بر جنگل‌های کشور تا زمان تشکیل بنگاه جنگل‌ها، نگاه نه تنها متمایل، بلکه متمرکز بر جنگل‌های مرطوب معتدله نیم‌رخ شمالی البرز که به جنگل‌های شمال

انسجام و پیگیری بودند. صرف نظر از پیوند گونه‌های باغی روی گونه‌های جنگلی که شرح آن خواهد آمد، اقدامات دیگر در بازه یادشده گزارش‌هایی درخصوص جنگل‌های فراهیرکانی با اطلاعات ارزشمندی هستند.

زنده‌یاد دکتر کریم جوانشیر در صفحه‌های ۱۶۷ و ۱۶۸ کتاب تاریخ علوم منابع طبیعی ایران درخصوص ورود نهال چنندل به ایران می‌گوید (Javanshir, 1999): "... ضمناً برای حفظ جنگل‌های جنوب و همچنین نظارت و نگهداری تعدادی نهال چنندل که چندی پیش از آن از زنگبار به سواحل جنوب منتقل و کاشته شده بود، مأموری اعزام شد که به علت نبودن اعتبارات یا تأخیر در پرداخت و حواله حقوق در انجام وظیفه توفیقی نیافت. به‌درستی مشخص نیست که چنندل‌های موجود در منطقه سیریک (بین میناب و جاسک) حاصل از نهادهای واردشده از زنگبار است یا خیر و چون سندی در دسترس نیست، بنابراین هیچ‌گونه قضاوت قطعی در این باره نمی‌توان کرد. اقدام به انتقال نهال چنندل از زنگبار (که امروزه با تانگانیا تشکیل جمهوری تانزانیا را می‌دهد) به جنوب کشور یک اقدام بسیار پیشرفته در آن زمان بود که به احتمال زیاد توسط یک کارشناس خارجی چون فن‌دم هاگن باید انجام شده باشد، ولی متأسفانه در این زمینه نیز مدرکی وجود ندارد."

در رابطه با چنندل، زنده‌یاد مهندس کریم ساعی بانی جنگل‌بانی نوین ایران نیز در صفحه‌های ۲۸۶ و ۲۸۷ جلد نخست کتاب جنگل‌شناسی که در سال ۱۳۲۷ انتشار یافت (Saei, 1948)، می‌گوید: "... می‌گویند این درخت را در سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ سلیمان نام ناخدای یکی از کشتی‌های بادی از زنگبار به ایران آورده و یکی از کارگزارهای بوشهر ۲۰۰ نهال آنرا در کنار مرداب بوشهر می‌کارد و بیشه کوچکی از آن احداث می‌شود که به تدریج بزرگ شده و جنگلی تشکیل می‌دهد، ولی پس از چندی به دستور یکی از فرمانداران بوشهر آن را می‌سوزانند. کارگزار دوباره

بنابراین، با توجه به هدف نوشتار پیش‌رو مبنی بر مروری اجمالی بر روند مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی، این مرور را در بازه‌های زمانی مشروحه زیر که به باور و داوری نگارنده معنی‌دار است، پی می‌گیریم:

- ۱- از تشکیلات اولیه تا تشکیل بنگاه جنگل‌ها در ۱۳۲۸ (عدم توجه یا کم‌توجهی)
- ۲- از بنگاه جنگل‌ها تا آغاز دهه ۱۳۴۰ هجری شمسی (آغاز توجه و ایجاد نخستین تشکیلات)
- ۳- از ۱۳۴۰ هجری شمسی لغایت ۱۳۵۱ هجری شمسی (شروع مدیریت علمی با تهیه طرح‌های جنگل‌داری)
- ۴- از ۱۳۴۰ هجری شمسی لغایت ۱۳۵۷ هجری شمسی (جنگل‌کاری، احیا و توسعه فضای سبز)
- ۵- از ۱۳۵۲ شمسی لغایت ۱۳۵۷ (طرح‌های جنگل‌داری قرق و احیا)

### از تشکیلات اولیه تا تشکیل بنگاه جنگل‌ها

در باب سال تأسیس اولیه تشکیلات جنگل‌بانی ایران اختلاف‌نظرهایی وجود دارد، مانند آرم سازمان مورد بحث که بر سال ۱۲۸۴ (ش) به‌عنوان سال تأسیس تأکید دارد و یا اظهارات زنده‌یاد دکتر جزیره‌ای که در مسیر تحول تشکیلات سازمان سال ۱۳۱۸ (ش) را سال پایه قرار می‌دهد. برپایه استناداتی پیرامون موضوع که شرح اجمالی آن گذشت، از دهه ۱۲۸۰ (ش) فعالیت‌ها جهت ایجاد تشکیلات دولتی برای منابع طبیعی تجدیدشونده و به‌ویژه منابع جنگلی شتاب بیشتری گرفت و با فراز و فرودهایی سرانجام به موجب مصوبه مورخ ۱۳۲۷/۱۲/۲۴ هیئت دولت به شماره ۲۰۵۲۳، بنگاه جنگل‌ها به‌وجود آمد. طی بازه زمانی ۱۲۸۰ تا تأسیس بنگاه جنگل‌ها، توجه دولتی معطوف جنگل‌های شمال کشور بود. اگرچه به‌صورت موردی طی بازه یادشده، فعالیت‌هایی از ناحیه دولت‌ها در جنگل‌های خارج از شمال یا فراهیرکانی انجام شد، اما این اقدامات موردی و فاقد

قسمت‌های مرکزی و جنوبی در شرف تکمیل است." گویا پیش‌بینی جناب نیکه در سراسر مناطق خارج از شمال یا فراهیرکانی در شرف تکمیل است! از اقدامات قابل ذکر این بازه زمانی درخصوص جنگل‌های فراهیرکانی، پیوند گونه‌های باغی روی گونه‌های جنگلی است که در نشریه شمه‌ای درباره آن آمده است (Saei, 1942): "... در سال ۱۳۱۹ (ش) به موجب پیمانی که به شماره ۲۳۶۱۱ تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۱۹ (ش) طبق تصویب‌نامه هیئت وزیران مصوب ۱۲ تیرماه ۱۳۱۹ (ش) با آقای غلامرضا آگاه بسته شد، پیوند درخت‌های میوه جنگلی منطقه‌های جبال بارز و بافت به ایشان واگذار شد و طبق گزارش شماره ۲۴۰ مورخ ۳۰ خرداد ۱۳۲۱ (ش) آقای آگاه تاکنون اقدام به پیوند ۱۹۲۶۱ عدد درخت پسته و ۶۳۶۶ عدد درخت بادام کرده‌اند و امید می‌رود که در سال‌های آینده بهره‌برداری آنها موفق شود."

اگرچه پیوند پسته روی بانه و بادام شیرین روی بادامک موفق نبود و بعدها با پژوهش‌های انجام‌شده توسط مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع در جنگل‌های موسوم به میان جنگل فسا در استان فارس مشخص شد که نه تنها با فروش میوه تولیدی پایه‌های توفیق‌یافته پیوندی، هزینه دستمزد کارگری جمع‌آوری میوه تأمین نمی‌شود، بلکه موجب سرایت آفت زنجره پسته به جنگل‌های بانه نیز شده است. اما اینکه برای چنین اقدامی مصوبه هیئت‌وزیران را نیاز داشته، در مقایسه با وضعیت کنونی، مبنی بر تغییر ساختار تشکیلاتی سازمان بر مبنای سلیق شخصی (انتزاع مدیریت جنگل‌های خارج از شمال از معاونت جنگل و الحاق آن به معاونت مرتع) جای بسی تأمل دارد. همچنین، در نشریه یادشده به رواج بسیار زغال‌سوزی منطقه پس از ایجاد جاده‌های سردشت و غرب و نیز نابودی جنگل‌های مسیر بوشهر به شیراز به واسطه زغال‌سوزی اشاره شده است (Saei, 1942).

یکصد نهال آنرا می‌آورد و بیشه دومی نیز به سرنوشت اولی دچار می‌شود."

در نشریه شمه‌ای درباره جنگل‌های ایران (Saei, 1942) دو گزارش از دو کارشناس خارجی در خدمت دولت وقت ایران تحت عنوان جنگل‌های جنوب ایران حاوی نکات ارزشمندی است. ترجمه خلاصه گزارش شماره ۱۳۱-۱۱/۰۴/۱۳۰۷ فان‌دم‌هاگن کارشناس جنگل، ضمن ابراز تأسف برای خرابی جنگل‌ها، پیشنهادهای برای حراست و احیای جنگل‌های مورد مشاهده دارد. نظیر کاشت تبریزی و چنار در کنار رودخانه‌ها و جویبارها با اعزام جنگل‌بانان آموزش دیده و یا کاشت گونه‌هایی نظیر آکاسیا و کازوارینا و گز و ... در اطراف بوشهر و همچنین کاشت اکالیپتوس، انجیر معابد، برهان ... برای مناطق جنوبی. درخصوص جنگل‌های بلوط و بانه نیز ضمن شرح اجمالی وضعیت موجود پیشنهادهای ارائه می‌دهد. نکته حائز اهمیت گزارش بند ۲ پیشنهاد است به شرح:

"۲- باید به وسیله استخراج معادن زغال‌سنگ خصوصاً در حوالی اصفهان از مصرف چوب جلوگیری کرد (در اصفهان حتی کارخانجات و ماشین‌آلات که تازه تأسیس شده است، جهت سوخت فقط چوب مصرف می‌کنند)."

چنانچه تاریخ گزارش نشان می‌دهد تا دهه نخست قرن شمس گذشته نیز چوب برای سوخت صنعتی استفاده می‌شد که بی‌تردید مهم‌ترین منبع تولیدی آن جنگل‌های حوزه رویشی زاگرس بوده است. ترجمه گزارش دوم با شماره ۹۸ مورخ ۱۳۱۰/۹/۲۷ مربوط به بازدید ایشان لویی نیکه کارشناس فرانسوی جنگل از جنگل‌های فارس، کرمان، سیستان و بلوچستان و همچنین جنگل‌های بلوط است، ضمن شرح اجمالی وضعیت نامطلوب جنگل‌های بازدیدشده در مورد خشک شدن اراضی می‌گوید: "... موضوع خشک شدن اراضی که در حوزه بین عربستان و بحر خزر مشاهده می‌شود، در عربستان کاملاً به پایان رسیده ولی در ایران در

۷- بررسی واگذاری زمین در خوزستان برای درخت کاری در اطراف رودخانه کارون در همین خلاصه اقدامات به صدور ۱۳۶۰۸/۵۵۴ مترمکعب پروانه صدور چوب بلوط و ۲۴۶۱/۶۱۳ مترمکعب پروانه صدور چوب گردو از کشور اشاره می‌شود که بخشی از چوب صادر شده گردو می‌تواند به مناطق خارج از شمال مرتبط باشد.

به‌هرروی، تا آغاز دهه ۴۰ هجری شمسی، اقدامات دولتی درخصوص مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی، به‌طور عمده متمرکز بر شناخت اجمالی و بیان وضع موجود این جنگل‌ها بود که سیر قهقرایی توده‌های جنگلی در اثر بهره‌برداری‌های نامتناسب را نشان می‌داد. این موارد به‌طور عمده از طریق گزارش‌های موردی برخی از کارشناسان، اعم از ایرانی و غیرایرانی ارائه می‌شد. اهتمام دولتی در قبال این جنگل‌ها سعی بر حفاظت فیزیکی از منابع جنگلی موجود بود، اگرچه نه در شناخت و معرفی و نه درخصوص حفاظت فیزیکی این منابع، اقدام منسجم و مبتنی بر برنامه مدون و مصوب وجود نداشت.

### از آغاز دهه ۴۰ لغایت ۱۳۵۱ هجری شمسی

در تیرماه ۱۳۳۸ قانون جنگل‌ها و مراتع به تصویب مجلس و در ۱۸ شهریور ۱۳۳۸ این قانون به امضای محمدرضا پهلوی رسید که مشتمل بر ۲۸ ماده و ۲۲ تبصره بود. در ماده ۴ این قانون آمده: "از تاریخ تصویب این قانون، نحوه بهره‌برداری از جنگل‌ها چه متعلق به دولت و چه متعلق به افراد باید طبق اصول علمی و فنی باشد که توسط سازمان جنگل‌بانی ایران اعلام خواهد شد. نظارت و مراقبت در حسن اجرای مقررات مزبور به عهده سازمان جنگل‌بانی خواهد بود." در تبصره ۱ از ماده ۴ نیز چنین آمده است: "در صورتی می‌توان از جنگل بهره‌برداری کرد که برای آن طرح جنگل‌داری که به تصویب سازمان جنگل

با عنایت به موارد برشمرده می‌توان بیان کرد که از زمان ایجاد تشکیلات اولیه تا تصویب تشکیل بنگاه جنگل‌ها (اسفندماه ۱۳۲۷ شمسی)، جنگل‌های فراهیرکانی در عمل تحت مدیریت دولتی قرار نداشتند.

### از تشکیل بنگاه جنگل‌ها تا آغاز دهه ۴۰ هجری شمسی

پس از تشکیل بنگاه جنگل‌ها و در ادامه تبدیل بنگاه جنگل‌ها به سازمان جنگل‌بانی ایران براساس تصویب‌نامه شماره ۲۸۵۰۰ هیئت وزیران مورخ ۱۳۳۸/۱۱/۲۱، توجه دولت به جنگل‌های خارج از نیمرخ شمالی البرز بیش از گذشته افزایش یافت و دامنه تشکیلات اداری به فراهیرکانی نیز کشیده شد. از جمله می‌توان به تأسیس پاسگاه‌های وصول عواید محصولات جنگلی در چند استان اشاره کرد. در کتاب تاریخ علوم منابع طبیعی ایران (Javanshir, 1999)، خلاصه اقدامات بنگاه جنگل‌ها در سال ۱۳۲۹ نقل شده که موضوعات مرتبط با جنگل‌های فراهیرکانی به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- اعزام مأموران به نقاط مختلف کشور برای بررسی جنگل‌ها و اظهارنظر درباره سازمان حفاظت و وصول عواید جنگل‌ها
- ۲- بررسی گزارش مأموران اعزامی و تنظیم سازمان‌های وصول عواید جنگل‌های آذربایجان، خراسان، لرستان، خوزستان و ایجاد سازمان وصول عواید جنگل‌های آذربایجان، لرستان، خوزستان
- ۳- جنگل‌کاری دیم در تپه‌های عباس‌آباد شمال تهران
- ۴- جنگل‌کاری در سیستان برای تهیه جنگل‌های شاخه‌زاد با هدف تأمین سوخت اهالی
- ۵- تأسیس سرجنگل‌داری در خراسان
- ۶- تأسیس جنگل‌داری برای اصول عواید و حفاظت جنگل‌های پسته خواجه خراسان

زغال‌گیری با شیوه سنتی به شدت در جنگل‌های این مناطق رایج بود و زغال‌های حاصله در تأمین انرژی گرمایی نه تنها مناطق جنگلی، بلکه در برخی از شهرهای بزرگ پیرامون جنگل‌ها نیز نقش کلیدی را ایفا می‌کرده‌اند، طرح‌های زغال‌گیری را برای ساماندهی برداشت‌ها و افزایش راندمان تبدیل چوب به زغال پیشنهاد دادند. چنانچه پیش از این گفته شد، بنابر گزارش آقای فان‌دم‌هاگن، تا اوایل قرن خورشیدی گذشته، کارخانجات و ماشین‌آلات تازه تأسیس در اصفهان از چوب جست برای تأمین سوخت استفاده می‌کردند (Saei, 1948). براساس اظهارات آقای مهندس نصرت رضایی، کارشناس وقت و ناظر اجرای طرح زغال‌گیری در استان چهارمحال و بختیاری، که مسئولیت معاونت فنی سرچنگل‌داری وقت (دهه ۶۰ شمسی) را عهده‌دار بودند، زغال‌های تولیدی حسب درخواست به شهر یزد نیز ارسال می‌شد (مصاحبه حضوری). خلاصه اینکه تهیه زغال برای تأمین نیازهای گرمایی و سایر نیازهای جنگل‌نشینان و شهرهای دور و نزدیک با روش‌های سنتی ساری و جاری بود.

برای سازماندهی وضعیت نابهنجار برداشت از جنگل‌های طبیعی که بدون توجه به رعایت ضرورت‌های جنگلشناسی توده‌های جنگلی مبادرت به قطع درختان چه به صورت توده‌ای و چه با شیوه تک‌گزینی و نیز بدون توجه به سن و نوع گونه جنگلی می‌شد و همچنین در روش‌های سنتی که تبدیل چوب هیزمی به زغال با کمترین بازدهی انجام می‌شد، تهیه و اجرای طرح‌های زغال‌گیری با رعایت موازین فنی پیشنهاد و اجرایی شده است. تهیه این طرح‌ها از اوایل دهه ۴۰ هجری شمسی در دو منطقه اکولوژیکی زاگرس و ارسباران آغاز و تا نهایت سال ۱۳۵۱ هجری شمسی ادامه یافته است. بر اساس کنکاش‌های به عمل آمده، سوابق مستند و مدون این طرح‌ها در آرشیو دفتر فنی جنگل‌داری سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور به دست آمد.

بانی رسیده باشد، تهیه شده باشد" (Javanshir, 1999). براساس مصوبه یادشده که پس از آن تهیه و اجرای طرح‌های جنگل‌داری آغاز شد، این بازه زمانی به عنوان سرآغاز مدیریت علمی جنگل‌های کشور شناخته شد. شروع مدیریت علمی جنگل‌های نیم‌رخ شمالی البرز به سال ۱۳۳۸ هجری شمسی بازمی‌گردد که نخستین طرح جنگل‌داری جنگل‌های شمال در این سال تهیه شد (Ebrahimi, Rostaghe and Asadi Atouei, 2005). با فاصله زمانی اندکی پس از شروع تهیه طرح‌های جنگل‌داری در جنگل‌های شمال کشور از اوایل دهه ۴۰ هجری شمسی، تهیه طرح در جنگل‌های فراهیرکانی نیز در دستور کار سازمان متولی مدیریت جنگل‌های کشور قرار گرفت. به عبارتی، می‌توان اذعان داشت سازمان متولی مدیریت جنگل‌های کشور اگرچه پیش از دهه ۴۰ (ش) توجهی همسنگ جنگل‌های شمال کشور را به جنگل‌های فراهیرکانی مبذول نداشته است، با شروع مدیریت علمی جنگل‌ها، توجهی بیش از گذشته را معطوف این جنگل‌ها داشت. اگرچه این عنایت در مجموع ناکافی بود و شامل همه مناطق جنگلی فراهیرکانی نمی‌شد. هم‌اینکه با فاصله ۳-۴ ساله از شروع تهیه طرح‌های جنگل‌داری در نیم‌رخ شمالی البرز، تهیه طرح در جنگل‌های فراهیرکانی در دستور کار سازمان متولی قرار گرفت، در مقایسه با عدم توجه یا کم‌توجهی دهه‌های نخست شکل‌گیری تشکیلات جنگل‌های کشور قابل توجه می‌باشد. تهیه و اجرای طرح در این بخش از جنگل‌های کشور از ابتدا در دو منطقه زاگرس و ارسباران مورد توجه قرار گرفت. این طرح‌ها که با عنوان طرح‌های زغال‌گیری تهیه و تعدادی نیز اجرا شدند، امروزه بیشتر محل انتقاد هستند و به باور عموم کارشناسان، توده‌های جنگلی مورد بهره‌برداری برای تهیه زغال، فاقد کیفیت و کمیت مطلوب بودند. اما واقعیت امر این است که مدیران و کارشناسان وقت نیز بی‌اطلاع از این موضوع نبودند و با عنایت به اینکه



مبادرت می‌شد، در مجموع آماربرداری با شدت ۵ درصد اعمال می‌شد. در مقایسه با روش سیستماتیک با شروع تصادفی که بعدتر جایگزین روش نواری شد، شدت آماربرداری در روش نواری بیشتر بود، چرا که در روش سیستماتیک آماربرداری با حداکثر شدت ۲ درصد اعمال می‌شد. بدیهی است که شدت آماربرداری به‌تنهایی نمی‌تواند متضمن دقت داده‌های مکتسبه باشد که خود بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد، اما در مقایسه اجمالی می‌توان ادعا کرد که با شدت آماربرداری ۵ درصد در مقایسه با شدت آماربرداری ۲ درصد داده‌های مطمئن‌تری برای تحلیل وضعیت موجود در دسترس قرار می‌گرفت.

- در این طرح‌ها، واحدهای طراحی به‌طور معمول از مساحت ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ هکتاری برخوردار و در مواردی به بیش از ۹۰۰۰ هکتار هم رسیده است (طرح زغال‌گیری سادات محمودی استان کهگیلویه و بویراحمد به وسعت ۹۵۵۴ هکتار، Anonymous, 1963).

- برای محاسبه حجم چوب درختان بدون در دست داشتن جدول یا جداول حجم، حجم هر اصله با استفاده از قطر برابر سینه و ارتفاع متوسط درختان استفاده و در هر توده مورد عمل حداکثر، حداقل و متوسط حجم توده جنگلی محاسبه و ارائه شد.

- محدوده هر طرح به‌طور معمول به ۱۰ برداشتگاه تقسیم می‌شده است.

- برای برداشت و قطع درخت یا درختان از شیوه برش تک‌گزینی استفاده و در مجموع حداکثر یک‌سوم موجودی جنگل در توده مورد عمل برای برداشت منظور می‌شد. به عنوان نمونه، طرح زغال‌گیری و احیای منطقه سادات محمودی در استان کهگیلویه و بویراحمد با وسعت ۹۵۵۴ هکتار (Anonymous, 1963) به ۱۰ برداشتگاه تقسیم، طول دوره بهره‌برداری ۴۰ سال و طول گردش ۱۰ ساله و میزان برداشت یک‌چهارم موجودی سرپای برداشتگاه برنامه

براساس این اسناد، نخستین طرح مدون و مصوب در دسترس، به سال ۱۳۴۲ بازمی‌گردد که از جمله طرح زغال‌گیری در جنگل‌های هیانان ایلام در وسعت ۲۰۶۸ هکتار می‌باشد (Anonymous, 1963). اینکه آیا پیش از این تاریخ یعنی سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ (ش) هم طرح برای زغال‌گیری تهیه شده باشد، دور از انتظار نمی‌تواند باشد، اما آنچه که قابل دسترس بوده سال ۱۳۴۲ را آغاز تهیه این طرح‌ها معرفی می‌کند. براساس اسناد موجود و قابل دسترس، در مجموع ۱۱ فقره طرح زغال‌گیری در منطقه زاگرسی و ارسباران طی بازه زمانی ۱۳۴۲ لغایت ۱۳۵۱ (ش) تهیه شده است. چهار فقره در منطقه اکولوژیکی ارسبارانی و هفت فقره در منطقه اکولوژیکی زاگرس. تأکید می‌شود که این ۱۱ فقره طرح‌های شناسایی و معرفی شده همراه اسناد مربوطه می‌باشد و نمی‌توان ادعا کرد که محدود به همین ۱۱ فقره بوده است.

### ضوابط فنی اعمال شده در طرح‌های زغال‌گیری

به استناد مفاد طرح‌های مدون و بازمانده و در دسترس، ضوابط فنی اعمال شده در این طرح‌ها به شرح زیر بوده است:

در هر محدوده مورد عمل سعی شد با شناخت اجمالی از وضعیت کمی و کیفی توده‌های جنگلی ضمن رعایت وضعیت اجتماعی و اقتصادی، بهترین توده‌های جنگلی از ابعاد کمی و کیفی (انبوهی و تراکم توده‌ها و به‌ویژه موجودی سرپای توده‌های جنگلی) برای تهیه و اجرای طرح زغال‌گیری انتخاب شود. برای برآورد و یا تعیین وضعیت کمی توده جنگلی مبادرت به آماربرداری و اندازه‌گیری توده جنگلی با روش آماربرداری نواری شده است. در این روش آماربرداری که نوارها با استفاده از چوب‌دستی ۵ متری (عرض ۱۰ متری نوار را در طول مسیر) تعیین و در طول مسیر نسبت به یادداشت پارامترهای مورد اندازه‌گیری

ریزی شده بود.

با توجه به فرم پرورشی غالب (شاخه‌زاد یا دانه و شاخه‌زاد)، تک‌گزینی بر روی کنده و یا به عبارت صحیح‌تر جست‌گروه اعمال می‌شده است.

- قطع محدود به گونه یا گونه‌های جنس بلوط (*Quercus sp.*) در صورت برخورداری از سایر شرایط قطع (به‌ویژه در منطقه اکولوژیکی زاگرس) بوده و از قطع سایر گونه‌ها خودداری شده است.

- نشانه‌گذاری در پاییز، قطع در اواخر زمستان و عملیات احیایی که منحصر به کاشت مستقیم بذر بلوط بوده پس از قطع اعمال و پیرامون محاط بذکاری شده، با استفاده از مصالح بومی (چوب و سنگ) دیواری به ارتفاع حدود ۴۰ تا ۵۰ سانتی‌متر ایجاد می‌شده است. علاوه بر بذکاری عملیاتی نظیر خراش سطحی نیز جهت تسهیل در امر زادآوری طبیعی اعمال می‌شده است.

طرح‌ها فاقد مطالعات اجتماعی و اقتصادی بوده و در طراحی‌ها نیز به تبع، تمهید یا تمهیداتی جهت رفع نیازمندی‌های اجتماعی و اقتصادی در بازه پیشنهادی قرق محدوده‌های جنگل‌کاری شده، پیش‌بینی نمی‌شده است.

در جدول ۱ مشخصات تعدادی از طرح‌های زغال‌گیری تهیه‌شده در دو منطقه ارسباران زاگرس ارائه شده است. در راستای اجرای این طرح‌ها، فعالیت‌های ارزشمندی برای افزایش راندمان تولید هیزم به زغال انجام شد. جایگزینی کوره‌های سنتی با بازدهی کم با کوره‌های مدرن (موسوم به آمریکانی) از جمله این اقدامات است. بدیهی است تهیه و اجرای طرح‌های زغال‌گیری اثرات معنی‌داری به‌ویژه در آینده توده‌های جنگلی مورد عمل به جای گذاشته است. اینکه عنوان شود این اقدام یعنی تهیه و اجرای طرح‌های زغال‌گیری از اساس اشتباه بوده است و تخریب مضاعفی را بر جنگل‌ها تحمیل کرده، به‌واقع پاک کردن صورت مسئله است. به هر روی، همچنان که پیش از این نیز گفته شد،

زغال‌گیری به صورت سنتی در شدیدترین شکل خود رایج بود و زغال حاصله نقش مهمی در تأمین انرژی مناطق جنگلی و پیرامون آن ایفا می‌کرد. از طرفی هم نمی‌توان با تمسک به نیازهای اجتناب‌ناپذیر جوامع روز، به دفاع از شایستگی و بایستگی تهیه و اجرای طرح‌های زغال‌گیری پرداخت. پاسخ منطقی به این اقدام در برهه زمانی خود نیازمند مطالعات و بررسی‌های دقیق‌تر و به عبارت دیگر، مطالعات همه‌جانبه آسیب‌شناسی اقدام می‌باشد.

فارغ از هر نتیجه‌ای که مطالعات آسیب‌شناسی باید ارائه دهند، از اهمیت این موضوع نباید بکاهد که اسناد به‌جای مانده از این اقدام که همانا طرح‌های مدون مرتبط با موضوع می‌باشد، تنها داده‌های مستند از وضعیت کمی و کیفی توده‌های جنگلی مناطق مورد عمل در بازه زمانی دهه ۱۳۴۰ هجری شمسی است. برخی از این داده‌های ارزشمند در خصوص وضعیت کمی و کیفی توده‌های جنگلی در حدود ۶۰ سال پیش و به نقل از اطلاعات کتابچه‌های بازمانده از این مطالعات قابل ارائه می‌باشد:

سال ۱۳۶۷ (ش) یعنی ۲۶ سال پس از تهیه طرح زغال‌گیری (۱۳۴۱) در جنگل موسوم به منج در استان چهارمحال و بختیاری (Anonymous, 1962) مبادرت به تهیه طرح جنگل‌داری به سرپرستی اینجانب شد. وسعت ۷۲۷۳ هکتاری سری منج به ۱۹ پارسل یا قطعه تقسیم و آماربرداری با روش سیستماتیک تصادفی و شدت حدود ۲ درصد انجام و نتایج حاصله در خصوص میزان حجم سرپای چوب در هکتار در پارسل‌های ۱۹ گانه به ترتیب عبارت بود از: ۱۴/۵۶ - ۷/۸۴ - ۱۳/۸ - ۱۹/۵۸ - ۱۲/۵۲ - ۱۷/۷۷ - ۱۵ - ۶۳ - ۱۲/۲۲ - ۷/۶۱ - ۱۴/۶۲ - ۱۸/۲ - ۳/۹۸ - ۹/۸۶ - ۹/۴۵ - ۱۴/۹۶ - ۱۴/۹۴ - ۹/۱۹ - ۳/۶ - ۲/۴۲ سیلو در هکتار (Ebrahimi Rostaghi, 1988).

مقایسه موجودی چوب سرپای توده‌های جنگلی جنگل منج در دو مقطع زمانی ۱۳۴۱ و ۱۳۶۷ نشان می‌داد که

سال‌های پایانی این دهه به مورد اجرا گذاشته نشده است، ولی طرح‌های اولیه از جمله طرح‌های سادات محمودی در استان کهگیلویه و بویراحمد و منج و بردکارخانه در استان چهارمحال و بختیاری به طور کامل مطابق مفاد طرح اجرا شده است. به هر روی، تهیه طرح‌های زغال‌گیری با تمام فراز و فرودهای آن تا سال ۱۳۵۱ پیگیری ولی از سال ۱۳۵۲ تهیه و اجرای این طرح‌ها متوقف و منسوخ شد. آسیب‌شناسی بیشتر این طرح‌ها در این مجال میسر نبوده و همان‌طور که بیان شد، حداقل دست‌آورد تهیه این طرح‌ها شناخت بیشتر وضعیت کمی و کیفی توده‌های جنگلی در بازه زمانی مربوطه یعنی دهه ۱۳۴۰ هجری شمسی است که نتایج مطالعات و بررسی‌ها در چارچوب کتابچه‌های مدون و مصوب ثبت و ضبط شده و می‌تواند به‌عنوان معتبرترین اسناد در خصوص وضعیت موجود جنگل‌ها در بازه موردنظر مورد استفاده واقع شود. بدیهی است که در این دهه یعنی به طور عمده دهه ۱۳۴۰ شمسی فعالیت‌های تشکیلات جنگل بانی در جنگل‌های فراهیرکانی محدود به تهیه و اجرای طرح‌های زغال‌گیری نبوده و در سایر بخش‌ها نیز فعالیت‌هایی به مرحله ظهور رسیده است که مهم‌ترین این فعالیت‌ها مربوط به بخش جنگل‌کاری و احیا است. از آنجایی که فعالیت‌های این بخش از اوان دهه چهل شمسی در پیگیری اقدامات گذشته تا پیروزی انقلاب اسلامی در روندی رو به رشد طی مسیر کرده و همپای روند رو به رشد اقتصاد ملی و متناسب با بهبود شرایط اقتصادی بر دامنه فعالیت‌های این بخش یعنی جنگل‌کاری و احیا (به‌طور عمده در چارچوب توسعه فضای سبز) افزوده شد، برای معرفی عمده‌ترین فعالیت‌های این بخش، بازه زمانی ۱۳۴۰ لغایت ۱۳۵۷ و منتهی به انقلاب اسلامی منظور می‌شود.

حداکثر موجودی سال ۱۳۶۷ که مربوط به پارسل شماره ۹ به میزان ۱۹/۵۸ سیلو می‌باشد، معادل ۴۵/۷ درصد حداقل موجودی قطعه با برداشتگاه شماره ۱۰ طرح زغال‌گیری منج به میزان ۴۲/۸ سیلو در سال ۱۳۴۱ می‌باشد. در طرح زغال‌گیری شادمان در آذربایجان غربی، حداکثر موجودی چوب در واحد سطح ۱۱۷/۳ و حداقل آن ۷۰/۲ سیلو بوده است.

در کل، طرح‌های زغال‌گیری مندرج در جدول ۱ که دربرگیرنده جنگل‌های هر دو بخش شمالی و جنوبی زاگرس است، حداقل موجودی چوب سرپا در واحد سطح ۲۵/۵ سیلو (قطعه شماره ۱۰ سری شماره ۲ گاران مریوان) بوده است. امروزه این میزان حجم سرپا در گستره‌ای به وسعت یک پارسل ۱۰۰ هکتاری (معادل هر یک از قطعات با برداشتگاه‌های سری شماره ۲ گاران مریوان) اگر یافت شود در زمره جنگل‌های با بیشترین حجم سرپا در واحد سطح محسوب می‌شود. قابل ذکر است که کماکان توده‌های جنگلی با وسعت کم (به‌طور معمول کمتر از ۵ هکتار) در زاگرس باقی مانده‌اند که از حجم سرپای حتی بیشتر از ۱۰۰ سیلو در هکتار برخوردارند (گورستان گور عمر در آذربایجان غربی با وسعت حدود ۴ هکتار و حجم سرپای ۱۱۵ سیلو در هکتار، مرتضی ابراهیمی رستاقی و مجید پاتو)، اما در سطوح وسیع‌تر همانند سطوح قطعات طرح‌های زغال‌گیری در دهه ۴۰ (۸۷ تا ۴۷۰ هکتار) وجود توده‌هایی با حجم سرپای ۲۵ سیلو در هکتار در وضعیت موجود دور از انتظار می‌باشد. در منطقه اکولوژیکی ارسباران نیز متوسط موجودی چوب سرپای ۱۴۴ سیلو در هکتار (سری ۲ دیزمار) قابل ملاحظه است.

تهیه طرح‌های زغال‌گیری تا سال ۱۳۵۱ ادامه داشته که بسیاری از این طرح‌ها به‌ویژه طرح‌های تهیه شده در

جدول ۱- مشخصات برخی از طرح‌های زغال‌گیری در دو منطقه زاگرس و ارسبارانی

Table 1. Specifications of some coal storage projects in the Zagros and Arasbaran Regions

حجم در هکتار قطعات (m <sup>3</sup> ) Volume per hectare (m <sup>3</sup> )											مساحت (هکتار) Area (ha)	سال تهیه Year of preparation	استان Province	طرح Project	ردیف Row
11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1					
	42.8	43	44.4	43	43.97	48.1	48.2	53.2	56.5	63.6	4725	1962	چهارمحال و بختیاری Chaharmahal and Bakhtiari	منج Monj	1
		37	44	53	59	47	44	43	41	38	1068	1963	ایلام Ilam	هیانان Hiyanan	2
	26.5	32	49.5	33.5	43	37	30	46.5	62.5	49.5	9000	1964	کردستان Kurdistan	گاران-مریوان-سری ۱ Garan-Marivan- District 1	3
	25.5	29.5	53	32.5	38.5	41.5	32.5	45	49.5	47.5	1000	1964	کردستان Kurdistan	گاران-مریوان-سری ۲ Garan-Marivan- District 2	4
107.8	91.1	70.2	66.6	92.4	111.3	117.2	113.6	84.2	80.6	76.3	958	1964	آذربایجان غربی Azerbaijan West	شادمان Shadman	5
	40.5	41.5	41	42	43	43	45	45	51	44	9554	1963	کهگیلویه و بویراحمد Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad	سادات محمودی Sadatmahmoudi	6
متوسط موجودی چوب در هکتار ۱۳۸ مترمکعب Average volume per hectare: 138 m <sup>3</sup>												1962	آذربایجان شرقی Azerbaijan East	دیزمار-سری ۱ Dizmar – District 2	7
متوسط موجودی چوب در هکتار ۱۴۴ مترمکعب Average volume per hectare: 144 m <sup>3</sup>												1962	آذربایجان شرقی Azerbaijan East	دیزمار-سری ۲ Dizmar – District 2	8
متوسط موجودی چوب در هکتار ۴۸ مترمکعب Average volume per hectare: 48 m <sup>3</sup>												1962	آذربایجان شرقی Azerbaijan East	دیزمار-سری ۳ Dizmar – District 3	9

## جنگل‌کاری، احیا و توسعه فضای سبز در بازه

زمانی ۱۳۴۰-۱۳۵۷ هجری شمسی

اینکه نخستین جنگل‌کاری در محدوده‌های فراهیرکانی به چه زمانی باز می‌گردد، خود موضوع جداگانه‌ای است و به بررسی‌ها و کنکاش‌های مربوط به خود نیاز دارد. چه بسا این اقدام به گذشته‌های بسیار دور برمی‌گردد و اگرچه اقدام بسیار درخور توجهی است، اما به علت موردی بودن و عدم انسجام و پیوستگی اقدام، به بوته فراموشی سپرده شده است. مصداق این ادعا ورود درخت انجیر بنگال *Ficus bengalensis* یا درخت مکرزن از هند به ایران است، چنانچه فردوسی بزرگ در یکی از ابیات شاهنامه که در قرن سوم به ورود انجیر بنگال به ایران چنین اشاره دارد: درخت مکرزن صد ریشه دارد فلک از دست زن اندیشه دارد

همچنان که به درختان دیگری نظیر تمر هندی *Tamarindus indica*، گاروم زنگی *Terminalia catappa* و *Mango magnifera* نیز اشاره می‌شود. ورود انجیر بنگال به ایران از پیشینه‌ای بسیار طولانی برخوردار است. زادآوری طبیعی این درخت روی تپه‌های صخره‌ای جزیره لاوان با جمعیتی قابل ملاحظه از درختان کهنسال دلالت بر حضور دیرینه این گونه غیربومی و دست‌کم بومی شده در فلات ایران دارد. در سنوات اخیر نیز وجود توده‌ای از کاج بروسیا *Pinus brutia* در محوطه اداره کشاورزی خرم‌آباد لرستان که کاشت آن به سال‌های جنگ جهانی دوم باز می‌گردد، نمونه‌ای از این نوع اقدامات است. با این حال، با عنایت به اینکه در این مبحث هدف ارائه فعالیت‌های دولتی در امر جنگل‌کاری و توسعه فضای سبز از آغاز دهه ۱۳۴۰ لغایت ۱۳۵۷ و منتهی به انقلاب اسلامی است، به عمده‌ترین فعالیت‌ها و اقدامات جنگل‌کاری و توسعه فضای سبز در این بازه زمانی اشاره می‌شود. در این بازه زمانی در حوزه رویشی زاگرس، سطح جنگل‌کاری‌های انجام‌شده که

در مجموع ۲۶۷۷ هکتار می‌باشد، به شرح زیر اعلام می‌شود (Ebrahimi Rostaghi et al., 1999):

استان آذربایجان غربی، ۲۵۶ هکتار

استان کرمانشاه، ۱۱۵ هکتار

استان کردستان، ۳۱۷ هکتار

استان ایلام، ۳۵۶ هکتار

استان لرستان، ۵۲۰ هکتار

استان چهارمحال و بختیاری، ۲۸ هکتار

استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۱۴ هکتار

استان فارس، ۹۷۱ هکتار

شوربختانه هیچ آثاری از این نوع جنگل‌کاری‌ها در حوزه رویشی زاگرس که احتمال می‌رود در چهارچوب اجرای طرح‌های زغال‌گیری در دهه ۴۰ انجام شده باشند، باقی نمانده است. عدم مراقبت دقیق فیزیکی از عرصه‌های جنگل‌کاری‌شده که به‌طور کامل با بذر بلوط و به روش مستقیم بذرکاری انجام شده می‌تواند مهم‌ترین دلیل عدم استقرار بذر کاشته شده باشد. پیرو کنکاش‌های به‌عمل آمده و مصاحبه حضوری انجام‌شده با جناب آقای مهندس نصرت رضایی معاون اسبق فنی سرجنگل‌داری کل استان چهارمحال و بختیاری و ناظر ارشد اجرای طرح‌های زغال‌گیری منج بردکارخانه و سادات محمودی، عرصه‌های احیایی که عبارت بودند از نقاط خالی بذرکاری‌شده با گونه بلوط با ایجاد سنگ‌چین و یا پرچین‌های احداثی با چوب بلوط به ارتفاع ۳۰ تا ۵۰ سانتی‌متر تحت مراقبت و نگهداری و ممانعت از ورود دام به عرصه‌های جنگل‌کاری قرار داشته‌اند. بدیهی است که حصار مورد بحث از کارایی لازم جهت ممانعت از ورود دام به عرصه برخوردار نبودند و به‌طور عموم بذور جوانه‌زده و استقرار یافته به سهولت در معرض چرای دام بودند و بنابراین این نوع جنگل‌کاری‌ها در مجموع سرانجامی قرین توفیق نیافتند. به هر روی آثاری از این نوع جنگل‌کاری‌ها در دهه ۶۰

وسعت ۱۱۱۴ هکتار گزارش شده است ( Ebrahimi, Rostaghi et al., 1999).

استان اصفهان، ۴۳۸ هکتار

استان زنجان، ۲۷۷ هکتار

استان سمنان، ۱۰۸ هکتار

استان کرمان، ۴۵ هکتار

استان همدان، ۲۴۶ هکتار

از این جنگل‌کاری‌ها نیز همانند حوزه رویشی زاگرس اثری به جای نمانده است.

علاوه بر جنگل‌کاری‌های مورد ادعا در زون‌های جنگلی، ایجاد پارک جنگلی دست‌کاشت از مهم‌ترین اقدامات انجام‌شده در بازه زمانی ۱۳۴۳ (ش) لغایت ۱۳۵۷ (ش) در منطقه اکولوژیکی ایران و تورانی است که مهم‌ترین آن‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

به‌عکس مناطق جنگل‌کاری‌شده در نواحی جنگلی، پارک‌های جنگلی ایجاد شده در جدول ۲ کماکان باقی مانده و شوربختانه نه‌تنها به مساحت این پارک‌های جنگلی افزوده نشده که بسیاری از این پارک‌ها مانند پارک‌های جنگلی چیتگر و لویزان با کاهش شدید مساحت اولیه مواجه شدند.

منطقه اکولوژیکی ارسبارانی

در بازه زمانی مورد نظر، ۹۰۰ هکتار جنگل‌کاری در استان آذربایجان شرقی گزارش شده است ( Ebrahimi, Rostaghi et al., 1999)، اما همانند مناطق اکولوژیکی دیگر اثری از ۹۰۰ هکتار جنگل‌کاری انجام‌شده در استان آذربایجان شرقی که علی‌القاعده می‌بایست مربوط به زون‌های جنگلی تخریب یافته باشد، در دست نیست.

که اینجانب در جنگل‌کاری استان چهارمحال و بختیاری فعالیت داشته‌ام، مشاهده نمی‌شود. قابل ذکر است که عدم توجه به معضلات اجتماعی و اقتصادی و چاره‌اندیشی درخصوص نیازهای اجتماعی و اقتصادی جنگل‌نشینان از مهم‌ترین دلایل عدم توفیق طرح‌های جنگل‌داری که پس از طرح‌های زغال‌گیری به نام طرح‌های قرق و احیا نامگذاری شده بوده است که در جای خود بحث خواهند شد. علاوه بر جنگل‌کاری که به‌طور عمدی با هدف احیای جنگل‌های مخروبه مبادرت بدان می‌شده، جنگل‌کاری در خارج از محدوده‌های جنگلی تحت عناوین ایجاد پارک‌های جنگلی، توسعه فضای سبز و زراعت چوب مورد توجه سازمان متولی مدیریت جنگل‌ها واقع و به‌طور عمدی توسط دفتر ستادی جنگل‌کاری، پارک‌ها و توسعه فضای سبز پیگیری می‌شد.

اگرچه از ۲۶۷۷ هکتار جنگل‌کاری انجام‌شده در ۸ استان حوزه رویشی زاگرس در دهه ۱۳۴۰ (ش) آثاری به جای نمانده است، اما فعالیت‌های انجام‌شده با عنوان ایجاد پارک‌های جنگلی کماکان باقی مانده است که به‌طور عمدی به‌شرح زیر قابل ذکر است:

پارک جنگلی بیستون در وسعت ۹۰ هکتار و حادثی سال ۱۳۳۹

پارک جنگلی حسن‌آباد کردستان در وسعت ۱۳۰ هکتار و حادثی سال ۱۳۴۸

پارک جنگلی آبشار کهگیلویه و بویراحمد در وسعت ۱۰ هکتار و حادثی سال ۱۳۵۴

پارک جنگلی تهلیجان شهرکرد، چهارمحال و بختیاری در وسعت ۱۳۰ هکتار و حادثی اواخر دهه ۱۳۴۰ شمسی در همین بازه زمانی در منطقه اکولوژیکی ایران و تورانی و در پنج استان مشروحه زیر عملیات جنگل‌کاری در

جدول ۲- پارک‌های جنگلی دست‌کاشت ایجادشده در بازه زمانی ۱۳۴۳-۱۳۵۷ در منطقه اکولوژیکی ایران- تورانی

Table 2. Unrban Forests created in the time period 1964-1970 in the Irano-Turanian Region

نام شهر/استان	مساحت (هکتار)	سال ایجاد	نام	ردیف
تهران Tehran	140	1964	خرگوش‌دره Khargoushdareh	1
تهران Tehran	100	1964	فرودگاه تهران Tehran Airport	2
تهران Tehran	120	1964	فرح‌آباد Farahabad	3
تهران Tehran	1490	1966	چیتگر Chitar	4
کرمان Kerman	51	1966	کرمان Kerman	5
تهران Tehran	2450	1967	لویزان Lavizan	6
تهران Tehran	120	1967	خجیر Khojir	7
تهران Tehran	500	1967	سرخه‌حصار Sorkheh Hesar	8
مشهد Mashhad	103	1968	طرق Toroq	9
سمنان Semnan	57.8	1969	سرکان Sarkan	10
تهران Tehran	60	1970	گیشا Gisha	11
تهران Tehran	420	1972	سد لتیان Latian	12
تهران Tehran	390	1975	تلو Telo	13
کرج Karaj	50	1975	جهان‌نما Jahannama	14
تبریز Tabriz	70	1975	فرودگاه تبریز Tabriz Airport	15
شیراز Shiraz	37	1968	آزادی Azadi	16
شیراز Shiraz	105	1973	فرودگاه شیراز Shiraz Airport	17

ردیف	نام	سال ایجاد	مساحت (هکتار)	نام شهر/استان
18	کاشمر Kashmar	1974	30	کاشمر kashmar
19	طیس tabas	1974	25	طیس Tabas
20	بیرجند Birjand	1974	55	بیرجند Birjand
21	انقلاب Enghelab	1976	345	شیراز Shiraz
	<b>جمع</b> <b>Total</b>		6718.8	

در ارتباط با مدیریت جنگل‌های طبیعی اگرچه در سال ۱۳۵۱ طرح‌های زغال‌گیری منسوخ و تهیه و اجرای این نوع طرح‌ها متوقف شد و وزارت منابع طبیعی (۱۳۴۶ تا ۱۳۵۱) نیز منحل و جای خود را به سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور داد، سازمان تازه تأسیس پس از توقف تهیه و اجرای طرح‌های زغال‌گیری، تهیه و اجرای طرح‌های قرق و احیا را برای مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی در دستور کار قرار داد. اینکه آیا تهیه و اجرای طرح‌های زغال‌گیری توسط مدیران ارشد وقت مورد بررسی و آسیب‌شناسی واقع و بر مبنای آن تصمیم توقف تهیه و اجرای طرح‌های زغال‌گیری و جایگزینی آن در چارچوب تهیه و اجرای طرح‌های قرق و احیاء شده است، سندی وجود نداشت و یا دست کم نگارنده به‌رغم کنکاش‌های به‌عمل آمده سندی را نیافت. به هر صورت، طبق اطلاعات موجود آخرین طرح زغال‌گیری در سال ۱۳۵۱ تهیه شد. بنابراین، بنابر هر دلیلی مقرر شده بود که از سال ۱۳۵۲ در جنگل‌های فراهیرکانی که تحت عنوان جنگل‌های حمایتی غیرقابل بهره‌برداری خارج از شمال شناخته می‌شدند، مبادرت به تهیه و اجرای طرح‌های جنگل‌داری با نام قرق و احیا شود. بنابراین، بازه زمانی ۱۳۵۲ لغایت ۱۳۵۷ که سیاست کلی سازمان متولی مدیریت این جنگل‌ها نسبت به گذشته تغییر اساسی یافت و در نتیجه آن در سطح قابل ملاحظه‌ای از

منطقه اکولوژیکی خلیج و عمانی در بازه زمانی ۱۳۴۰ لغایت ۱۳۵۷ در مجموع ۱۹۱۸ هکتار جنگل‌کاری در چهار استان جنوبی کشور به‌شرح زیر گزارش شده است:

استان سیستان و بلوچستان، ۱۶۶ هکتار  
استان هرمزگان، ۲۳۷ هکتار  
استان بوشهر، ۷۰ هکتار  
استان خوزستان، ۱۴۴۵ هکتار

در ارتباط با ایجاد پارک جنگلی نیز در مجموع چهار پارک جنگلی به مساحت ۴۱۵ هکتار در بازه زمانی ۱۳۴۰ - ۱۳۵۷ به‌شرح زیر ایجاد شده است:

پارک جنگلی دست‌کاشت نخل ناخدا به مساحت ۲۷ هکتار در بندرعباس به سال ۱۳۴۷  
پارک جنگلی دست‌کاشت دزفول به مساحت ۶۵ هکتار در دزفول به سال ۱۳۵۴  
پارک جنگلی دست‌کاشت تیسکویان به مساحت ۲۰۰ هکتار در چابهار به سال ۱۳۵۵  
پارک جنگلی دست‌کاشت به مساحت ۱۲۰ هکتار در بوشهر به سال ۱۳۵۶  
به احتمال زیاد پارک جنگلی بوشهر همان پارک جنگلی دست‌کاشت چاه‌کوتاه است.



محدوده‌های عرفی یا همان محدوده‌های برخوردار از حقوق ارتفاقی نیز محلی از اعراب در چهارچوب طرح نداشته است. طرح‌ها همانند طرح‌های شمال کشور فاقد مطالعات اجتماعی و اقتصادی بوده و در واقع برنامه‌های پیشنهادی لازم بود دستوری اجرا می‌شد. در قطعه‌بندی سری‌های جنگلداری به‌رغم اینکه سطح پارسل‌ها بسیار وسیع‌تر بود و با توجه به تراکم و انبوهی کمتر جنگل‌های خشک و نیمه‌خشک، شناخت حدود پارسل که عبارت از عوارض طبیعی توپوگرافی بودند، بسیار ساده‌تر و قابل تفکیک بودند، اما همانند شمال حدود پارسل‌ها با ضوابط تعیین شده رنگ‌آمیزی و مشخص می‌شد. تنها تفاوت بارز این دو نوع طرح، بهره‌برداری و عدم بهره‌برداری چوب بود.

از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷، طرح‌های متعدد جنگلداری در مناطق اکولوژیکی مختلف تهیه و برخی نیز به اجرا شدند که مهمترین آن‌ها عبارت بودند از:

حوزه رویشی زاگرس

۱- استان آذربایجان غربی:

چهار طرح تحت عناوین سردشت سری‌های ۱، ۲، ۳ و میرآباد جمعاً به مساحت ۳۵۵۹۳ هکتار طی سال‌های ۱۳۵۳ لغایت ۱۳۵۵

۲- استان کرمانشاه:

چهار فقره طرح تحت عناوین زردلان- قلاجه- ترازیک- میلگه به مساحت ۵۹۴۱۱ هکتار طی سال‌های ۱۳۵۳ لغایت ۱۳۵۶

۳- استان کردستان:

دو فقره طرح تحت عناوین چناره و باغان به مساحت ۱۹۷۸۸ هکتار طی سال‌های ۱۳۵۲ لغایت ۱۳۵۴

۴- استان ایلام:

چهار فقره طرح تحت عناوین میش‌خاص، مله‌پنجاب، سیاهکوه، تنگه دالاب جمعاً به مساحت ۵۴۹۸۷ هکتار طی سال‌های ۱۳۵۳ لغایت ۱۳۵۶

جنگل‌های فراهیرکانی مبادرت به تهیه و اجرای طرح جدید شد. بنابراین این بازه زمانی در ارتباط با مدیریت دولتی جنگل‌های فراهیرکانی شایسته است که مورد شناسایی و بررسی واقع شود.

## مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی در بازه زمانی ۱۳۵۲ لغایت ۱۳۵۷ هجری شمسی

پس از توقف طرح‌های زغال‌گیری، طرح‌های جنگلداری با عنوان قرق و احیا جایگزین شدند و همان‌طور که از نامش پیداست اعمال نوعی استراحت مدنظر بود تا با عملیات احیایی که در بازه مورد نظر در کاشت بذر بلوط خلاصه می‌شد و اعمال قرق و ممنوعیت چرای دام که به مدت ۱۰ سال برای هر قطعه مورد احیا منظور می‌شد، فرصت بازایی به توده‌های جنگلی تخریب‌شده داده شود.

دستورالعمل تدوینی این طرح‌ها که توسط دفتر فنی جنگلداری سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور ابلاغ شده بود، در واقع الگویی از طرح‌های جنگلداری مورد عمل در جنگل‌های مرطوب معتدله شمال کشور بود. تفاوت اساسی بین طرح‌های جنگلداری شمال کشور و طرح‌های جنگلداری یا قرق و احیای خارج از شمال کشور در واقع کمی بوده نه ماهوی.

عملیات اساسی طرح‌های جنگلداری که همانا قطعه‌بندی، آماربرداری و تشریح قطعه یا پارسل بود در هر دو طرح اعمال، منتهی در جنگل‌های خارج از شمال با مقیاسی متفاوت اعمال می‌شد. به‌عنوان نمونه، واحد طراحی همانند شمال سری جنگلداری بود و در حالی‌که سری جنگلداری بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ هکتار بود در خارج از شمال به ۵۰۰۰ هکتار و یا بیشتر از آن ارتقا یافت. مساحت پارسل نیز از ۵۰ هکتار به ۲۵۰ و گاه بسیار بیشتر ارتقا داده شد. روش آماربرداری همان روش سیستماتیک با شروع تصادفی و شدت آماربرداری نیز از حدود ۳ درصد به ۲ درصد کاهش یافت. دوره اجرایی طرح نیز ۱۰ ساله و در تقسیمات ارضی واحدهای طراحی،

- ۵- استان لرستان:  
 پنج فقره طرح تحت عناوین نوژیان، پلدختر، کاکاوند، بلوران و باباحبیب جمعاً به مساحت ۶۹۳۷۸ هکتار طی سال‌های ۱۳۵۲ لغایت ۱۳۵۷
- ۶- استان چهارمحال و بختیاری:  
 چهار فقره طرح با عناوین کریم ساعی، عاص‌جم، زاگرس بختیاری و ارمند جمعاً به مساحت ۵۹۶۰۴ هکتار طی سال‌های ۱۳۵۳ لغایت ۱۳۵۷
- ۷- استان کهگیلویه و بویراحمد:  
 ده فقره تحت عناوین سروک، نقارخانه، دیل، دوگنبدان، باشت، مهریان، امیرآباد، تنگ‌سرخ، مختار، دشت روم جمعاً به مساحت ۱۱۴۹۶۸ هکتار طی سال‌های ۱۳۵۲ لغایت ۱۳۵۶
- ۸- استان فارس:  
 سه فقره طرح تحت عناوین کامفیروز سری یک، کامفیروز سری ۲ و تنگ ابوالحیات جمعاً به مساحت ۳۳۷۷۸ هکتار طی سال‌های ۱۳۵۵ لغایت ۱۳۵۶
- بنابراین، در مجموع ۴۴۷۵۰۷ هکتار طرح جنگل‌داری تحت عنوان طرح جنگل‌داری قرق و احیا در جنگل‌های ۸ استان حوزه رویشی زاگرس از سال ۱۳۵۲ لغایت ۱۳۵۷ تهیه شده است.
- پس از توقف تهیه و اجرای طرح‌های زغال‌گیری و شروع به تهیه و اجرای طرح‌های قرق و احیا، دامنه فعالیت سازمان متولی مدیریت جنگل‌های فراهیرکانی در امر جنگل‌داری علاوه بر حوزه رویشی زاگرس و منطقه اکولوژیکی ارسباران جنگل‌های منطقه اکولوژیکی ایران و تورانی هم مورد توجه واقع شد و در بازه زمانی ۱۳۵۲ لغایت ۱۳۵۷ در مناطق یاد شده، مبادرت به تهیه طرح‌های زیر شد:
- استان خراسان:  
 طرح جنگل‌داری قرق و احیای پسته اوستای به وسعت ۴۵۱۸ هکتار در سال ۱۳۵۴  
 استان کرمان:
- طرح جنگل‌داری قرق و احیای دهبکری در امتداد سلسله‌جبال بارز به وسعت ۴۴۶۹ هکتار در سال ۱۳۵۵
- طرح جنگل‌داری قرق و احیای محمدآباد مسکون در دامنه‌های سلسله‌جبال بارز به وسعت ۳۷۸۶ هکتار در سال ۱۳۵۶  
 استان فارس:  
 طرح جنگل‌داری قرق و احیای ارسنجان فارس در حوضه آبریز دریاچه بختگان به وسعت ۱۰۵۰۰ هکتار در سال ۱۳۵۳  
 استان آذربایجان شرقی:  
 - طرح جنگل‌داری قرق و احیای ارس کندرق به وسعت ۲۴۹۵ هکتار در سال ۱۳۵۴
- طرح جنگل‌داری قرق و حیایی چم‌لر به وسعت ۷۰۹۴ هکتار در سال ۱۳۵۴
- طرح جنگل‌داری قرق و احیای کندرق خلخال به وسعت ۶۵۹۲ هکتار در سال ۱۳۵۴
- قابل ذکر است که در بازه زمانی مورد نظر، استان اردبیل از استان آذربایجان شرقی منفک نشده و شهرستان خلخال و حوزه استحقاقی آن در زمره استان آذربایجان شرقی محسوب می‌شده است.
- در بازه زمانی ۱۳۵۲ لغایت ۱۳۵۷ علاوه بر ۴۴۷۵۱۷ هکتار تهیه طرح قرق و احیا در جنگل‌های حوزه رویش زاگرس، در منطقه رویشی ایران و تورانی نیز در مجموع ۳۹۴۰۹ هکتار طرح جنگل‌داری قرق و احیا تهیه شده است.

### اجرای طرح‌های قرق و احیا

هدف طرح‌های قرق و احیا همان‌طور که از نامش پیداست، اعمال ممنوعیت برخی از فعالیت‌های جاری در عرصه جنگل‌های مورد طرح قبلی چرای دام و زراعت زیراشکوب توده‌های جنگلی بوده تا طی فرصت فراهم شده (-) قرق قطعات جنگلی) نسبت به احیای توده‌های تخریب‌یافته از

اجرا قرین توفیق قابل ملاحظه نشدند. اگرچه نمی‌توان از مجموعه طرح‌های تهیه شده تحت عنوان قرق و احیا، به طرحی اشاره کرد که مفاد کامل آن مطابق برنامه‌ها و پیشنهادات به مورد اجرا در آمده باشد، اما این واقعیت را نیز باید اذعان داشت که بخشی از جنگل‌های حفظ شده و در مقایسه با جنگل‌های مجاور، کمتر مورد تخریب و تجاوز واقع شده مرهون تهیه و اجرای اگرچه نه کامل طرح‌های قرق و احیا می‌باشند. مصداق بارز این ادعا در طرح جنگلداری قرق و احیای ارسنجان (منطقه اکولوژیکی ایران و تورانی) و کامفیروز (حوزه رویشی زاگرس) در استان فارس می‌باشند که اجرای این طرح‌ها پس از پیروزی انقلاب نیز پیگیری و کماکان مورد مدیریت قرار دارند. به‌رروی، اجرای این طرح‌ها در مجموع با عدم استقبال جنگل‌نشینان که مهم‌ترین دلیل آن عدم جایگزینی ممر معیشتی سازگار با پایداری منابع جنگلی بود، میسر نشد.

آنچه در ارتباط با طرح‌های قرق و احیا از بعد کارشناسی قابل ذکر است، به‌شرح زیر می‌باشد:

- ۱- طرح‌های زغال‌گیری به‌دلیل عدم قابلیت‌های کمی و کیفی توده‌های جنگلی زاگرس و حتی ارسباران به صلاح نبوده و توقف تهیه و اجرای این طرح‌ها منطقی بوده است.
- ۲- تهیه و اجرای طرح‌های قرق و احیا که در واقع اعمال نوعی استراحت برای جنگل‌های فراهیرکانی بوده تصمیمی بجا و مورد نیاز این جنگل‌ها بوده است.
- ۳- اجرای این طرح‌ها در سه تا چهار دوره گردش ۱۰ساله، دال بر شناخت کارشناسان وقت از وضعیت موجود جنگل‌ها بوده و اجرای آن را محدود به یک دوره ۱۰ساله نکرده‌اند.
- ۴- تأکید بر کاشت گونه‌های بومی و ممانعت از ورود گونه‌های سوزنی‌برگ در امر احیای جنگل‌های مخروطه و همچنین تأکید بر بذرکاری به‌جای نهال‌کاری و اجرای عملیات به‌سازی شرایط زادآوری جنسی (نظیر خراش سطحی در توده‌های

طریق جنگلداری (اعم از بذرکاری یا نهال‌کاری) اقدام شود. در طرح جنگلداری قرق و احیای عاص‌جم که در سال ۱۳۵۵ به سرپرستی آقای مهندس نصرت رضایی در بخشی از حوزه استحقاظی شهرستان لردگان در استان چهارمحال و بختیاری تهیه شد، در صحت روش جنگلشناسی و موضوع قرق و احیا بخشی از مفاد طرح مصوب یادشده به‌شرح زیر عیناً نقل می‌شود:

"چون جنگل‌های منطقه طرح در مجاورت بخش لردگان و همچنین قراء مجاور آن قرار دارد، لذا همان‌طوری‌که ذکرش رفت، در گذشته به علت دسترسی آسان و مداوم و بهره‌برداری‌های بی‌رویه جنگل در حال حاضر قابل بهره‌برداری نبوده و بایستی برنامه‌های قرق و احیا با کنترل شدید برای قطعات ده‌گانه در سری که پیشنهاد شده با دقت و به موقع به مرحله اجرا درآید و پس از اختتام برنامه‌های پیش‌بینی شده توده‌های جنگلی که فعلاً مستقر شده‌اند از نظر کیفیت و کمیت پس از پایان سه دوره گردش ۱۰ساله امید فراوان می‌رود که موجودی در هکتار آن به میزانی برسد که امکان بهره‌برداری را میسر نماید..."

در تهیه این طرح‌ها اگرچه بخش اجتماعی و اقتصادی چنانچه بعدترها (پس از انقلاب) مورد توجه قرار گرفت، مورد عنایت نبوده، اما از داده‌هایی نظیر تعداد آبادی‌ها و روستاها، جمعیت انسانی محدوده طرح و همچنین جمعیت دامی و سطح اراضی زیر کشت بی‌بهره نبوده است. اما همچنان که در ادامه تهیه طرح‌ها و افزودن بخشی تحت نام بخش اجتماعی و اقتصادی به مطالعات طرح‌های جنگلداری، داده‌های جمع‌آوری شده مطالعات نقشی در برنامه‌ریزی مدیریت جنگل‌ها ایفا نکرده‌اند، بدیهی است که مختصر اطلاعات جمع‌آوری و ارائه شده بخش اجتماعی و اقتصادی در برنامه‌ریزی‌های طرح‌های قرق و احیا نیز مورد توجه واقع نشده‌اند. بنابراین، عدم توجه به معضلات اجتماعی و اقتصادی و وابستگی شدید معیشتی جنگل‌نشینان به جنگل و عرصه آن، این طرح‌ها در

Forests and Range Organization in the non-Hyrcanian forests. Forests and Range Organization, 55p (In Persian with English summary).

- Javanshir, K., 1999. History of Natural Resources Sciences of Iran. Agricultural Research, Education and Extension Organization, Tehran, 490p (In Persian with English summary).
- Jazirei, 2001. Proceedings of the National Conference on Northern Forest Management and Sustainable Development. Gostareh Publication, 725p (In Persian with English summary).
- Saei, K., 1942. A Brief Overview about Forests of Iran. Ministry of Agriculture, Tehran, 78p (In Persian with English summary).
- Saei, K., 1948. Silviculture. Second volume, University of Tehran, Tehran, 338p (In Persian with English summary).
- Sharifi, M., 2011. Park Construction and Management of Forest Parks with the Approach of Ecotourism Development. University of Tehran, Tehran, 286p (In Persian with English summary).

برخوردار از درختان مادری بذرده از نکات برجسته و ارزشمند مورد توصیه کاشناسان وقت می‌باشد.

### منابع مورد استفاده

- Anonymous, 1962. Charcoal Preparation Plan of Monj and Bordkarkhaneh, Chaharmahal and Bakhtiari province. Forests and Range Organization, 81p (In Persian with English summary).
- Anonymous, 1963. Charcoal Preparation Plan of Hianan, Ilam province. Forests and Range Organization, 66 p (In Persian with English summary).
- Anonymous, 1963. Charcoal Preparation Plan of Sadat-Mahmoudi, Kohgiluyeh and Boyer Ahmad province. Forests and Range Organization, 71p (In Persian with English summary).
- Ebrahimi Rostaghi, M. and Asadi Atouei, A., 2005. Forest and Sustainable Development. No. 15 (In Persian with English summary).
- Ebrahimi Rostaghi, M. et al., 1999. Experiences of

## Managing the Extra-Hyrcanian Forests of Iran (Part one: 1949-1978)

M. Ebrahimi Rostaghi

Forest and Rangeland Expert, Natural Resources and Watershed Management Organization, Tehran, Iran  
E-mail: m\_ebrahimi\_r@yahoo.com

Received: 09.04.2023

Accepted: 12.06.2023

### Abstract

This article delves into the management process of the Extra-Hyrcanian Forests, situated outside the Hyrcanian eco-region, starting from the first forestry organization. The sources used to compile this information include reports, implemented forestry plans, identification and semi-detailed studies, field observations, and over 30 years of experience in the Extra-Hyrcanian Forests. In the article, the report of the management process during several significant time periods is examined. Firstly, from the initial organization to the establishment of the Forestry Company in 1949, where there was a lack of attention or little attention given. Secondly, from the establishment of the Forestry Company to the beginning of the decade 1960, when there was an apparent beginning of attention and creation of the first organizations. Thirdly, from 1960 until 1972, scientific management began by preparing forestry plans. Fourthly, from 1961 until 1978, saw forestry restoration and the development of green space. Fifthly, the period from 1973 to 1978 focused on the protection and reclamation of forestry plans. A summary of the multi-year activities of the Extra-Hyrcanian Forests reveals that despite an increase in government and organizational presence since the 1960s, there was no clear policy with a definite goal and perspective for those involved. Consequently, all types of activities were repeated trials and errors. In contrast, during the same period, the Hyrcanian forests were managed with a single and specific policy, even a single service description and manual (with a few case changes). Unfortunately, in the Extra-Hyrcanian Forests, plans and programs with a short life were implemented in the form of trial and error without defining and establishing a particular policy for forest management. Of course, it must be acknowledged that this management history was inevitable in dry and semi-arid forests, which, like the Hyrcanian humid forests, did not have the support of solid data, i.e., several-year history of European temperate humid forest management.

Keywords: Irano-Turanian forests, Gulf and Omani forests, Zagros forests, forestry plan, management.